

مقاله  
(۲)

# هماندسازی با هدف درمان ناباروری

سید محمد موسوی بجنوردی<sup>۱</sup>



## ◇ معنا و مفهوم همانندسازی

اخیرا واژه همانندسازی (cloning) نه تنها توجه دانشمندان و محققان علم بیولوژی را به خود جلب کرده است بلکه عموم مردم نیز بسیار علاقه مند به این موضوع شده‌اند. شبیه سازی عبارت است از کشت هسته سلول غیر جنسی انسان یا حیوان که دارای کروموزوم کامل می باشد، در سلول تخمک عاری از هسته جنس ماده، و بارور کردن این تخمک به روشهای ویژه در رحم طبیعی، به منظور تشکیل موجود زنده ای که از لحاظ شکل ظاهری دقیقا مانند صاحب هسته اولیه است. به عبارت دیگر کلونینگ عبارت است از پیوند هسته از یک سلول سوماتیک به یک تخمک که می تواند به جنین تبدیل شود، که از آن جنینهای مشابه به وجود می آیند. به زبان ساده تر منظور از ایجاد کلون این است که موجود زنده را بدون آمیزش جنسی تکثیر نمایند. به عبارت دقیقتر، کلون را می توان یک فرد جاندار تعریف کرد که از یک سلول غیر جنسی تنها، از والدش رشد یافته و در نتیجه از لحاظ ژنتیکی با آن همانند است. به طور کلی شبیه سازی به معنای تولید مثل جنسی و بدون لقاح سلولی نر و ماده اکتشاف جدیدی نیست، و در جهان اطراف ما رخ می دهد. دو نیمه شدن و تقسیم شدن موجودات تک سلولی از جمله باکتریها را نیز کلونینگ یا شبیه سازی می گویند. همانند سازی در گیاهان پدیده ای است که کشاورزان صدها سال است با آن آشنایی دارند. جانوران مهره دار از جمله انسانها، مثل غیر جنسی ندارند، اما کلون سازی به ندرت در مهره داران رخ می دهد. نوعی از دوقلوزایی یا چند قلوزایی را می توان کلون سازی محسوب کرد. در اواخر سال ۲۰۰۲ شرکت کلوناید واقع در جزایر باهاما، اعلام کرد که موفق به شبیه سازی چهار نوزاد شده و این نوزدان به زودی در آسیا، شمال اروپا و آمریکا به دنیا خواهند آمد. دانشمندان کره ای نیز به تازگی اعلام نمودند که توانسته اند برای اولین بار جنین انسان را شبیه سازی و پرورش دهند.

شبیه سازی به دو نوع تقسیم می شود:

خلاصه مقاله همانندسازی با هدف درمان ناباروری همانند سازی از موضوعاتی است که به تازگی توجه جوامع را به خود جلب کرده است. به طور کلی شبیه سازی بدون لقاح سلولی نر و ماده اکتشاف جدیدی نیست، و در جهان اطراف ما در میان گیاهان و سایر موجودات بسیار رخ می دهد. این عمل در میان انسانها اشکال مختلفی دارد که بر هر کدام احکام تکلیفی خاصی بار می شود. از سوی دیگر بعضی از مخالفین این کار را خلاف انسانیت و اخلاق می دانند. در کنار تمام این مسایل احکام نسب و ارث در باره انسان شبیه سازی شده چگونه باید اجرا شود. مقاله حاضر در پی پاسخگویی به این نکات و گشودن بامی در این مباحث است.

<sup>۱</sup> استاد حوزه دانشگاه، مدیر گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تربیت معلم و مدیر گروه فقه و حقوق پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.

۱- شبیه سازی تولیدی

۲- شبیه سازی درمانی

هدف از شبیه سازی تولیدی، تولید کودکی است که از لحاظ ژنتیک شبیه فرد دیگری باشد. هدف از شبیه سازی درمانی یا تحقیقاتی، تولید فرد دیگری نیست بلکه به دست آوردن سلولهای بنیادی جنینی است که از لحاظ ژنتیکی شبیه مادر می باشد؛ یعنی سلولهایی که هنوز قابلیت ساخت هر بافتی را دارند و برای ساخت بافت ویژه ای تمایز نیافته اند، به دست می آیند و پس از این سلولها بافت یا دستگاهی که لازم است ساخته می شود تا برای پیوند به بیمار مورد استفاده قرار می گیرد؛ گرچه این مطلب را باید افزود که شبیه سازی تولید، با هدف درمان نیز می تواند باشد؛ یعنی در عین حال که هدف تولید فردی از لحاظ ژنتیک شبیه فرد اولیه است، درمان ناباروری نیز مدنظر است.

با این مقدمه، به بحث درباره استفاده از تکنیکهای همانندسازی در درمان ناباروری می پردازیم. این موارد می تواند مورد بحث قرار گیرد:

الف) در بعضی از موارد نازایی در زنان، علت نارساییها از تخمک است و دستگاه تناسلی زن کاملاً سالم می باشد. این نارسایی که معمولاً از هسته تخمک سرچشمه می گیرد؛ مانند مواردی که سن زن بالا بوده و احتمال اختلالات کروموزومی زیاد می باشد. در این حالت می توان از تخمک زن دیگری استفاده نمود و هسته آن را خارج نمود و با هسته سلولی غیر جنسی از مادر اصلی جایگزین نمود و این تخمک را به مادر اصلی بازگردانید. در این حالت فرزند متولد شده کاملاً شبیه مادر خود می باشد. لازم به ذکر است که سلول های غیر جنسی معمولاً دچار اختلالات کروموزومی نبوده و خطر به دنیا آمدن فرزندی با اختلالات کروموزومی نیز کاهش می یابد.

ب) در مواردی که اشکال نازایی از طرف مرد می باشد نیز می توان از روش مشابه استفاده نمود. بدین ترتیب که از تخمک زنی دیگر استفاده نمود و هسته آنرا جایگزین هسته سلولهای غیر جنسی پدر یا مادر نمود. در این روش فرزند به دنیا آمده برحسب اینکه هسته از پدر یا مادر گرفته شده باشد کاملاً شبیه پدر یا مادر خواهد شد. همانطور که در موارد بالا دیده می شود تفاوت همانندسازی با تکنیکهای کمکی تولید مثل (ART) مانند IVF, ICSI, GIFT, ZIFT, در این است که در همانندسازی احتیاجی به سلولهای جنسی پدر یا مادر نمی باشد و سلولهای غیر جنسی نیز می توانند مورد استفاده قرار گیرند؛ لذا به وضوح دیده می شود که همانندسازی می تواند بسیاری از مشکلاتی را که زوجهای نابارور دارند برطرف نماید و این زوجها را دارای فرزند نماید؛ اما جنبه های بحث شده نکات مثبت همانندسازی را مدنظر داشته اند. در مورد همانندسازی انسان خطرها و نگرانیهایی وجود دارد که خود مقاله مفصل و جداگانه ای می طلبد اما در ذیل به طور خلاصه به آنها اشاره خواهد شد.

◀ احکام تکلیفی استفاده از تکنیک همانندسازی

جواز استفاده از تکنیک همانندسازی با هدف درمان ناباروری

برای تبیین حکم همانندسازی از لحاظ فقهی نفس عمل، صرف نظر از تبعات آن، شاید نتوان دلیلی بر حرمت آن یافت؛ زیرا گرفتن سلول بدنی، خالی کردن هسته تخمک و آمیختن سلول با تخمک فاقد هسته و تولید جنین و نهایتاً انتقال آن به رحم مادر جانشین، در صورتی که در مقدمات آن از محرمانی، چون لمس و نظر اجنبی اجتناب شود، منطبق با هیچ یک از افعال حرام نیست. "دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد. از نظر اصول عملیه نیز در صورت شک و عدم جواز این عمل می توان با استناد به اصل برائت قابل به جواز از آن شد."

لکن تحقیق آن است که با توجه به قاعده اصاله الحل و جریان آن در شبهات حکمیه و تحریمیه عمل مزبور حلال است، به جهت اینکه هیچ یک از عناوین محرمه بر این عمل منطبق نمی شود، علی هذا با توجه به فرمایش امام (ع): "کل شیء هولک حلال حتی تعرف الحرام منه بعینه" عمل شبیه سازی هیچگونه حرمتی ندارد.

بعضی از علمای اسلامی به استناد آیه ۱۱۹ سوره نساء که می فرماید: "... و لا مرنهمن فلیغرن خلق الله ... " آن را زمینه اولیه ممنوعیت کلون سازی می دانند.

بعضی در جواب با توجه به تفاسیر متعدد این آیه شریفه حرمت کلون سازی را رد می کنند و می گویند: "در این صورت از خیلی از کارها باید جلوگیری کنید. مثلاً جراحی زیبایی را باید حرام بدانید ... و بگویید اینها تصرف در خلق الله است و باید بگوییم همه حرام است در حالی که هیچ کدام حرام نیست. ثانیاً در آیه اشاره به فطرت الله است. پس آیه مربوط به توحید و شرکت و ربطی به جراحی و شبیه سازی ندارد.

در تفسیر عیاشی، از محمدبن یونس از یکی از اصحابش از حضرت صادق (ع) همچنین از جابر از حضرت صادق (ع) ذیل آیه (ولا مرنهمن فلیغرن خلق الله) روایت می کند که فرمود: "مراد از خلق الله اوامر و دستوراتی

شبیه سازی جبارت است  
از کثرت هسته سلول  
غیر جنسی انسان یا  
حیوان که دارای  
کروموزوم کامل می باشد،  
پدر سلول تخمک عاری از  
هسته جنس ماده، و پارو  
کردن این تخمک به  
روشهای ویژه در رحم  
طبیعی، به منظور تشکیل  
موجود زنده ای که از لحاظ  
شکل ظاهری دقیقاً مانند  
صاحب هسته اولیه است.

بعضی از فقها بر این  
نظرنند که شبیه سازی  
توهین آشکار به کرامت  
انسانی است

است که خدا داده است.

در تفسر تبیان از امام باقر و امام صادق (ع) نیز نقل شده که منظور از آن تغییر فطرت توحید و فرمان خداست. در قرآن مجید در آیه ۶۳ سوره واقعه صریحا آمده است که حیات به دست خداوند است و کسی در آن دخالت ندارد.

قرآن می فرماید: "آیا شما می رویانید آن تخم در زمین افکنده را و نمای آن می دهید یا رویاننده ایم و نشو و نما دهنده و آن را به غایت خود رساننده، پس چرا اندیشه نمی کنید تا بدانید که آن کس که قادر باشد بر اثبات زرع از حبه صغیر و ایجاد حبوب کثیره نمودن از آن قادر خواهد بود بر اعاده خلق آن نهجی که بوده باشد".  
در مجمع در ذیل آیه "انتم تزرعونه ام نحن الزارعون" می گوید: از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: هیچ وقت نگویید من زراعت کردم، بلکه بگویید من حرث کردم.

تحقیق در مقام این است که انسان در خالقیت است استقلال ندارد وقتی زن و مرد با هم تقارب می کنند، اینها که خالق نیستند قرآن مجید می فرماید: "افرایتم ماتمنون" شما تقارب می کنید، شما شرایط را فراهم می سازید و فعل شما معد است، خالق خداوند سبحان است در این مورد، باز انسان شرایط را فراهم می سازد، خلقت و آفرینش مخصوص خداست و این دخالت در کار خلقت نیست و سپس می فرماید: انسان دو حیات دارد، حیات حیوانی و حیات انسانی قرآن می فرماید: انسان دو حیات دارد، حیات حیوانی و حیات انسانی قرآن می فرماید: "لقد خلقنا الانسان من سلاله من طین ثم جعلناه نطفه فی قرار مکین، ثم خلقنا النطفه علقه فخلقنا العلقه مضغه فخلقنا المضغه عظاما فکسونا العظام لحما ثم انشأناه خلقا آخر، فبتارک الله احسن الخالقین". منظور از خلقت اول، مراحل خلقت حیوان، و خلقت آخر خلقت انسانی است که همان نفسه ناطقه یا روح است. انسان نمی تواند روح را تولید یا کلون سازی کند. روح و نفس ناطقه را خداوند سبحان می دهد. بنابراین کلون سازی دخالت در کار خدا نیست.

بعضی از فقها بیان می کنند: "از نظر عنوان اولی، اصل اباحه است چون آیه و روایت و اجماع و دلیل عقلی بر حرمت شبیه سازی نداریم و از مسائل مستحدثه است".

به علاوه شبیه سازی آگاهی و معرفت انسان به عظمت خداوند و دقت در صنع بیشتر می کند. همانطور که در قرآن آمده است: "سنبهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی تبیین لهم انه الحق اولم یکف بربک انه علی کل شیء شهید".

#### ◇ حرمت استفاده از تکنیک همانندسازی با هدف درمان ناباروری

برخی از علما معتقدند که شبیه سازی با الگوی جهانی مخلوقات که بر مبنای زوجیت استوار است تناقض دارد؛ زیرا در شبیه سازی وجود یک جنس (ماده) برای تکثیر نسل کافی است و گذشته از این همانندسازی بنیاد خانواده را نابود می کند و مرد را از صحنه زندگی حذف می نماید؛ زیرا به صورت تئوری، زنان این امکان را پیدا می کنند که خود، خود را باردار کنند.

بعضی از فقها بر این نظرنند که شبیه سازی توهین آشکار به کرامت انسانی است. شبیه سازی هویت و شخصیت انسان را مورد تهدید قرار می دهد؛ زیرا فرزند شبیه سازی شده، مسخ شخصیت موجود است و مردم با چنین کودکی مانند کودک طبیعی رفتار نمی کنند.

بعضی دیگر معتقدند: "شبیه سازی با قانون گوناگونی سازگاری ندارد؛ زیرا خداوند متعال جهان را بر اساس تنوع آفریده است؛ در حالی که در شبیه سازی نسخه ای مطابق اصل از موجود زنده به دست می آید. و اینکه اگر همه یکسان باشند یک بیماری می تواند نوع بشر را از بین ببرد.

تعداد بسیاری از مراجع شیعه در مورد شبیه سازی انسان اظهار نظر کرده اند و آن را ذاتا بی اشکال دانسته اند اما به لحاظ آثار و تبعاتی که موجب ضرر و زیان برای فرد و اجتماع می شود، آن را حرام دانسته اند. اما کسی با کاربرد پژوهشی و درمانی آن مخالفت ننموده است.

حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی می فرماید: "فی نفسه مانعی ندارد و غیر جایز بودن آن از جهت عناوین ثانویه است".

بعضی از معاصرین همانندسازی انسان را به لحاظ اینکه موجب به هم خوردن تمایز و اختلاف بین ابنای بشر و اختلال در نظام و مرج و مرج و اختلال در نکاح و معاملات و قضا و شهادت و انساب و مواریث می شود، حرام دانسته اند.

بعضی دیگر از علمای معاصر می فرمایند: "اصل این عمل فی حد ذاته حرام نیست ولی با توجه به مفاسد و خطراتی که ممکن است بر آن مترتب شود و این امر نمی تواند از آن منع کند، در این صورت حرام خواهد بود".

بعضی دیگر می فرماید: به طور کلی استفاده نمودن از شبیه سازی و عادی شدن و جنبه رسمی پیدا کردن آن را با موافق شرع و فقه اسلامی ناسازگار دانسته و حرام می داند. به علاوه به جهت مفاسد حقوقی و اجتماعی و اخلاقی و تکوینی و غیر آنها، از مفاسد عظیم و به جهت ایجاد فساد، دفع و جلوگیری و منع و تعزیر نمودن عاملین و ساعین در این مورد را بر همه انسانها خصوصا قدرتمندان قانونی و اجرایی و تبلیغی، واجب و فرض عقلی و شرعی اعلام نموده است.

ولی آن را در جهت پیشرفت علمی و دست یافتن به علل و اسباب بیماریها و مقاصد پژوهش، مانند شبیه سازی اعضای بدن برای معالجه و اغراض عقلایی جایز می داند.

سید محمد حسن فضل الله نیز ضمن اینکه همانندسازی را واقعه علمی بزرگی دانسته که نشانگر نبوغ انسان در کشف قوانین و نظاماتی است که به وسیله خدا آفریده شده، سنجشهای مثبت و منفی آن را برای اتخاذ موضع دینی، ضروری دانسته و با در نظر گرفتن آثار منفی متعددی از قبیل مشتبه شدن وضعیت نسب نوزاد کلون شده و بروز مشکلات عاطفی، اجتماعی، خانوادگی و تشخیص طبقات ارث، آن را حرام دانسته است. وی همانندسازی به منظور استفاده از اعضای نوزاد کلون شده برای پیوند عضو را نیز ممنوع می داند؛ اما استفاده از این فناوری را برای یافتن راههای درمان بیماریهای مزمن مجاز دانسته است.

#### ◆ ادله مخالفان اخلاقی شبیه سازی

مخالفان اخلاقی شبیه سازی، به دلایلی تمسک کرده انده مهمترین آنها عبارتند از:

شبیه سازی انسان خلاف انسانیت

موضع اصلی این گروه، کاستن نقش بشر و جلوگیری از مطلق العنان بودن او در تصرف کردن مخلوقات است. در واقع اینها از اموری است که تنها خداوند حق دخالت در آنها را دارد و کسی نباید با دخالتهای بیجای خود، نظم موجود در طبیعت را به هم بزند. این نوع اعمال با کرامت انسانی در تضاد است. حیات، نعمتی خداوندی است و اگر در دست انسان قرار بگیرد، خود انسان می تواند آن را سلب نماید.

#### ◆ شبیه سازی انسان و کیان خانواده

شبیه سازی انسان با اصل حفظ کیان خانواده و علقه ای که خداوند از طریق نظام عائله ترتیب داده است، منافات دارد و اخلاقا مردود می باشد.

#### ◆ شبیه سازی و مشکلات عاطفی

شبیه سازی سبب بروز مشکلات عاطفی برای بچه حاصل از کلون می شود. هنگامی که بچه ای بفهمد با بقیه مردم تفاوت دارد، پدر یا مادر واقعی ندارد، مشکلات روحی زیادی برای او به وجود خواهد آمد. او مادری دارد که خواهر اوست. با شبیه سازی ساختار خانواده از بین می رود. اگر ما قادر شویم کودکان از قبل طراحی شده تولید کنیم چه احساسی به این کودکان دست می دهد.

#### ◆ شبیه سازی و رواج تبعیض

اگر همه چیز مطابق میل انسان پیش رود و اگر همه چیز به همان صورت درآید که مهندسان می خواهند و اگر برخی از ما توسط فناوری شبیه سازی انسانی، اصلاح نژاد بشویم آیا در دیگران به دیده پست تر نمی نگریم؟ و آنها را به بردگی نمی کشیم؟

به نژادی و در نتیجه رواج، تبعیض بین اینا بشر از محصولات شبیه سازی انسان است. همزمان با ایجاد افراد برجسته از نژاد برتر، نوبت به نابود کردن انسانهای معمولی و یا ضعیف می رسد.

#### ◆ شبیه سازی یعنی کارخانه ای شدن تولید مثل

کارخانه ای شدن تولید مثل انسان نیز از معضلات اخلاقی اجتماعی حاصل از شبیه سازی است. این امر بخصوص به جهت برنامه ریزی قبلی، ارزش انسان را به مخاطره می اندازد. هدیه بودن و امانت بودن فرزند، جای خود را به محصول صنعتی شدن خواهد داد.

#### ◆ بی اعتمادی اخلاقی محصول شبیه سازی انسان است

بی اعتمادی اخلاقی محصول شبیه سازی انسان است. برنامه ریزی بهسازی ژنی صفات مطلوب و خصائل، به مجرد اینکه شخص مورد نظر را به یک برنامه زندگی خاص متعهد کند یا در هر صورت، محدودیت های خاصی را برای آزادی شخص در انتخاب زندگی اش اعمال کند، باعث بی اعتمادی اخلاقی می شد. مداخلات بهسازی ژنی که با هدف تقویت ژنی انجام می شود، آزادی اخلاقی را کاهش می دهند. فقط در مورد پیشگیری از بیماریهای ژنتیکی ممکن است دلایل قانع کننده در پذیرش این فناوری وجود داشته باشد.

#### ◆ شبیه سازی حقوق کودک را پایمال کند

تعداد بسیاری از مراجع شیعه در مورد شبیه سازی انسان اظهار نظر کرده اند و آن را ذاتا بی اشکال دانسته اند اما به لحاظ آثار و تبعاتی که موجب ضرر و زیان برای فرد و اجتماع می شود، آن را حرام دانسته اند. اما کسی با کاربرد پژوهشی و درمانی آن مخالفت ننموده است.

لطمه به حقوق شخصی کودک اخلاقاً مردود است. نتایج ناخواسته‌ای که مداخله به‌سازی زنی می‌تواند به همراه داشته باشد. در هر صورت دارای سرشتی غیرمستقیم است و خطر کاهش منزلت فرد آینده را به همراه دارد.

آیا ما می‌توانیم بدانیم چه چیزی به صورت بالقوه برای دیگری مفید است؟ ممکن است در موارد خاص اینطور باشد. اما حتی در این موارد نیز دانش ما خطاپذیر است. آیا هیچ وقت می‌توانیم بدانیم یک استعداد ژنتیکی مشخص، در واقع آزادی عملی را که شخص دیگری برای شکل دادن به زندگی شخصی خود دارد، گسترش می‌دهد یا نه؟ آیا والدینی که فقط بهترینها را برای کودکانشان می‌خواهند می‌توانند تمام شرایطی را بدانند که در آن حافظه‌ای درخشان، برای فرزندان‌شان نفعی به همراه دارد؟ حافظه خوب اغلب و نه همیشه، موهبت است. ناتوانی در فراموش کردن می‌تواند یک مصیبت باشد.

#### ◇ شبیه‌سازی انسان تحت شرایط خاص جایز است

برخی از علما معتقدند شبیه‌سازی تولیدی فقط در شرایط خاص می‌تواند جایز باشد، و در این باره اظهار می‌دارد که شبیه‌سازی در انسان چهار حالت دارد:

- ۱- هسته سلول از شوهر زن صاحب تخمک گرفته شود؛
- ۲- هسته سلول از یک مرد بیگانه گرفته شود؛
- ۳- هسته سلول از خود زن گرفته شود؛
- ۴- هسته سلول از زن بیگانه گرفته شود.

هر کدام از این حالتها حکم خاص خود را دارد. سپس می‌افزاید: "دلیل فقهی وجود ندارد که شبیه‌سازی از طریق کشت هسته شوهر در تخمک همسرش را تحریم نماید. زیرا مقصود از شبیه‌سازی عبارت است از تخلیه تخمک از هسته، کاشتن هسته سلول دیگری در آن. خواه این هسته جنس ماده باشد یا از شخص دیگر سپس به کمک جریان الکتریسته لقاح صورت می‌گیرد، و سلول بارور شده به دو یا چهار ... تقسیم می‌شود و به این ترتیب جنین شکل می‌گیرد، بدون اینکه به اسپرم مرد نیازی باشد."

وکی روی تهریز حالت اول، شبیه‌سازی سه شرط را تعیین می‌کند:

- ۱- زن و شوهر از راه طبیعی به هیچ وجه قادر به بچه دار شدن نباشند؛
- ۲- باید اطمینان حاصل شود، فرزندی که از طریق شبیه‌سازی می‌آید، از لحاظ جسمی، عقلی و رفتاری، انسانی طبیعی خواهد بود و در معرض بیماریهای خطرناک قرار نمی‌گیرد؛
- ۳- باید مطالعات حقوقی و اجتماعی تایید نمایند که وجود دو انسان کاملاً شبیه به هم هیچ ضرری به فرد و جامعه وارد نمی‌کند.

برخی از فقها معتقدند که عمل به هر گونه پیشرفته علمی و به عینیت رساندن آن در تولید انسان (همانندسازی) که ارتباط به زن و شوهر پیدا کند و یا تنها به زن برای مواردی ضرورت و شرایط خاص نمی‌توان گفت حرام است؛ اما استفاده نمودن از آن به طور کلی و عادی شدن و جنبه رسمی پیدا کردن، قطعاً با مذاق شرع و فقه اسلام نمی‌سازد و حرام است.

#### ◇ وضعیت حقوقی نسب کودک آزمایشگاهی ناشی از همانندسازی

همان گونه که ذکر شد، نسب فرد به طور طبیعی حاصل مقاربت پدر و مادر و لقاح سلولهای جنسی آنها با یکدیگر است. در این زمینه به آیه ۵۴ سوره فرقان استناد شد. اما شبیه‌سازی انسان مشکلاتی در تعیین نسب به وجود می‌آورد؛ بدین گونه که مشخص نیست که فرد کلون شده با صاحب سلول اولیه خود چه نسبتی دارد؟ آیا به کسی ملحق می‌شود؟ و یا رابطه آنها پدر و فرزندی و برادری و یا رابطه مادر و فرزندی و خواهری است؟

بعضی چنین بیان می‌کنند: از نظر ژنتیکی نوزاد کلون شدن به منزله دوقلوی دهنده سلول است، به همین دلیل در همانندسازی چهار حالت قابل تصور است:

- ۱- دهنده سلول، شوهر دهنده تخمک باشد؛
- ۲- دهنده سلول، مرد بیگانه باشد؛
- ۳- دهنده سلول، دهنده تخمک باشد؛
- ۴- دهنده سلول، زن بیگانه باشد.

در تمام این فروض نیز ممکن است مادر جانشین، خود زن دهنده تخمک یا زن دیگری باشد؛ یعنی، در فرض اول نوزاد به منزله دوقلوی شوهر زن دهنده تخمک، در فرض دوم و چهارم به منزله دوقلوی مرد و زن بیگانه و

هدف از شبیه‌سازی تولیدی، تولید کودکی است که از لحاظ ژنتیکی شبیه فرد دیگری باشد. هدف از شبیه‌سازی در مانی یا تحقیقاتی، تولید فرد دیگری نیست بلکه به دست آوردن سلولهای مفیدی جنینی است که از لحاظ ژنتیکی شبیه مادر می‌باشد

در فرض سوم به منزله دو قلول فرد زن دهنده تخمک، اگر این رابطه ژنتیکی و طبیعی را از نظر حقوقی نیز معتبر بشناسیم، باید فرض کنیم که نوزاد کلون شده خواهر یا برادر دهنده سلول است و به حسب مورد، آثار حقوقی مترتب بر آن را معین کنیم؛ یعنی پدر و مادر و سایر اقارب طفل کلون شده به نوبه خود فروض و شقوق مختلفی را می توان برای آن تصور کرد.

واضح است که این وضعیت موجب آشفتگی در روابط افراد همانندسازی شده با دیگران می شود و فرد را در اجتماع با مشکلات فراوانی روبه رو می سازد.

#### ◊ نظر فقها

بعضی از فقها معتقدند: "چون عناوین "الاب" و "الاخ" و "الأخت" در مورد جنین ولدی صادق نیست؛ یعنی شبیه دو قلوست؛ پس صدق برادر و خواهر نمی کند. بنابراین هیچ یکی از عناوین نسبی بر آن صادق نیست، ولی عنوان "الام" در اینجا شبیه مادر رضاعی است که او را پرورش داده و نطفه ای در کار نیست. ما می گوئیم با این مادر ازواج نکند چون مادر رضاعی فرد محسوب می شود. زیرا گوشت و پوست او از آن زن پرورش یافته است. بنابراین احکام جاری نمی شود جز نسبت به مادر احتیاطاً."

برخی قائلین به جواز همانندسازی معتقدند فرد شبیه سازی شده ملحق به کسی نیست و برای او نسبی قایل نمی شوند و نتیجه می گیرند که محرمی ندارد و بیان می کنند که راهی برای اثبات نسب فرد مذکور به صاحب سلول اولیه وجود ندارد. در همه احکام نسب به صاحب سلول اولیه، اصل بر احتیاط است.

نگارنده بر این عقیده است که: "اگر تخمک را از زن بگیرند، ماده ژنتیک آن را بردارند و ماده ژنتیک مرد را درون آن جاگذاری کنند و از سلول حاصله، انسانی پدید آید. این هیچ اشکالی ندارد. به هر حال مرد و زن در مقتضیات آفرینش او دخالت دارند، پدر و مادر او محسوب می شوند. اگر ماده ژنتیک زن را درون تخمک جاگذاری کنند و مرد در ایجاد بچه هیچ دخالتی نداشته باشد، آن بچه فوزند زن محسوب می شود و به مرد محرم است و ربیبه او محسوب می شود. در قرآن آمده که بچه های زنهایی که با آن همبستر می شوید بر شما حرام است. اگر کلون سازی از مرد صورت گیرد و زن در تولید فرزند دخالت نداشته باشد. بچه حاصله فرزند مرد محسوب می شود و بر زن محرم است."

در عین حال برخی از فقها معتقدند که این فرد به کسی ملحق نمی شود و قبل از ازدواج محرم و وارث خاصی ندارد، و از کسی هم ارث نمی برد؛ البته اگر این سلول در رحم زنی پرورش یابد و متولد شود، احکام مادر و فرزندی بین آنها برقرار است.

البته بعضی از قائلین به جواز می گویند نسب فرد کلون شده در عالم ثبوت معلوم است و نامعلوم بودن آن در مقام اثبات دلیل حرمت آن نمی شود و قانونگذار می تواند ضوابطی را برای قانونمند ساختن روابط حقوقی فرد کلون شده با سایر افراد وضع کند. مشکل اساسی که در این مقوله به چشم می خورد عدم تعامل دانشمندان علوم زیستی و علمای علوم انسانی است که ارتباط بین آن دو گروه به وضوح در جامعه مشهود است. از آنجا که مذهب مهمترین اساس شکل گیری قوانین حقوقی و مذهبی می باشد؛ استناداً در اصل ۱۶۷ قانون اساسی می فرماید: "اگر قاضی در موردی حکم آن را نمی دانست، نمی تواند سکوت کند؛ بلکه باید به نظرات و فتاوی فقها توجه نماید تا آن حکم را استنباط کند." لذا لازم است که این تعامل گسترش کافی داشته باشد. در آینده ای نه چندان دور پیشرفت تکنولوژی به گونه ای خواهد بود که برای پاسخ به مسائل روز جوابی سریع و قاطع می دهد. پس با ارتباط مستقیم بین دو گروه، توفیقات بیشتری در جهت حل مشکلات به وجود می آید.

#### ◊ حقوق کودک آزمایشگاهی ناشی از همانندسازی

بعضی از علما می فرمایند: شبیه سازی به روش معمولی که بیشتر مردم فکر می کنند از ترکیب اسپرم و تخمک به وجود می آید، نمی باشد و از ترکیب هسته سلول با تخمکی است که ماده ژنتیک آن را در آورده اند صورت می گیرد. در واقع با روشی دیگر ما از مخلوق خداوند سبحان انسان دیگری را پدید آورده ایم. از آنجا که ما در عالم خلقت، استقلال نداریم، این انسان مخلوق خدا محسوب می شود و اگر گفته می شود این انسان پدر ندارد، مگر می شود یک انسان پدر نداشته باشد؟ حضرت مسیح (ع) هم پدر نداشت. اینطور نیست که حتما همه باید پدر داشته باشند، می شود انسانی پدید آید که پدر نداشته باشد و این معنا امکان وقوعی دارد. تنها آن کس که حیات می دهد خداوند سبحان است. بشر تنها فراهم کننده مقتضیات حیات است. با عنایت به اینکه شبیه تنها از یک ریشه است مانع از انسان بودن او نمی شود. پس شبیه یک انسان است و دارای تمام حقوق و تکالیف انسانی است.

بعضی از فقها معتقدند:  
"چون عناوین "الاب" و "الاخ"  
و "الأخت" در مورد جنین  
ولدی صادق نیست؛ یعنی  
شبیه دو قلوست؛ پس صدق  
برادر و خواهر نمی کند.

بنابراین هیچ یکی از  
عناوین نسبی بر آن صادق  
نیست، ولی عنوان "الام" در  
اینجا شبیه مادر رضاعی  
است که او را پرورش داده و  
نطفه ای در کار نیست